شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

۰۹ ۱۲ ۹۹

۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه+۴ صفحه ورزشی

۱۶ صفحه شهرآرا محله+۴ صفحه زندگی نو

شماره ۳۳۳۳ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

رطوبت هوا ۲۸٪

۹° ↑ -۴° ↓

صبح ۵-

ظهر ۶

عصر ۶

شب ۱-

اذان ظهر ۱۱:۴۴:۱۱

غروب آفتاب ۱۷:۲۴:۱۴

اذان مغرب ۱۷:۴۲:۳۷

نیمه شب شرعی ۲۳:۰۲:۱۱

اذان صبح فردا ۰۴:۳۸:۵۱

طلوع آفتاب فردا ۰۶:۰۲:۴۹


حدیث روز

**از قرض بپرهیز، چون قرض تو را دروغگو و پیمان شکن سازد.**

امام علی(ع)

# بازپس‌گیری یک فضای شهری




نگار بزرگ‌زاده‌یزدی

برنامه‌ریز شهری و مدیرمسئول سایت خانه گفت‌وگوی شهر


این روزها اگر گذرتان به میدان کوکا بیفتد، دیگر خبری از دیوارهای صلب و سیمانی و شیشه‌های خالی نوشابه کارخانه کوکاکولای مشهد نیست؛ دیوارهای سیمانی و شیشه‌های نوشابه‌زیادی که همیشه از دیدنشان متعجب می‌شدیم و از بزرگ‌ترهایمان می‌پرسیدیم که پشت این دیوارها چیست یا گاهی حتی تصور می‌کردیم که راه را اشتباه آمده‌ایم و به بن‌بست خورده‌ایم. بزرگ‌ترها می‌گفتند پیشترها اینجا بیابان بود با یک خیابان به نام کوکاکولا که در انتهای آن، کارخانه کوکا دیده می‌شد و یک رستوران کریم‌شیشلیکی که برای اولین‌بار غذایی به نام شیشلیک سرو می‌کرد و بیشتر مشتریانش، مهندسان و کارشناسان ارمنی و ایرانی کارخانه بودند.

کارخانه کوکاکولا را که از سال ۱۳۳۶ یکی از نمادها و نشانه‌های اصلی شهر مشهد به‌شمار می‌آمد و یک محله را به نام خود کرده بود، در سال ۱۳۹۲ شهرداری مشهد تخریب کرد و به خارج از شهر منتقل شد. حال میدان کوکای قدیم، به فضای زندگی شهری با همسایگی «کارخانه نوآوری» تبدیل شده است. وجود کارخانه نوآوری در قلب این میدان و همچنین مؤسسات آموزش عالی در همسایگی آن، نوید حضور افراد پرانگیزه و جوان را در این فضا می‌دهد. از طرف دیگر، فضای شفاف کارخانه نوآوری و عملکرد این مکان بر جذابیت‌های این فضای شهری می‌افزاید و می‌تواند پیوندی نو میان نوآوری و جامعه باشد.

فضاهای شهری، بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که زندگی جمعی در آن‌ها معنا پیدا می‌کند و متبلور می‌شود. فضای شهری جایی است که با حضور شهروندان تعریف می‌شود. به بیان دیگر نیاز انسان به تعاملات اجتماعی و عضویت و حضور در جامعه است که موجب به‌وجود آمدن این گونه فضاها شده است. این فضاها به افراد فرصت می‌دهند که حصارهای اطراف خود را بشکنند و به صحنه زندگی اجتماعی وارد شوند و به‌دور از هرگونه تفاوت در جنسیت، سن، طبقه اجتماعی و... در یک شبکه اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار کنند.

میدان پژوهش کنونی یا همان میدان کوکای سابق، توانسته است نقش خود را به‌عنوان یک فضای شهری انسان‌محور بپذیرد و منعکس کننده پویایی و فعالیت اجتماعی شهروندان باشد. وجود مبلمان‌های شهری متنوع و فضاهای دسترس‌پذیر برای تمامی اقشار جامعه، یکی از ویژگی‌های بارز این میدان است که توانسته است حضور مداوم شهروندان را به‌دنبال داشته باشد. این فضا توانسته است کودکان را که همواره در فضاهای شهری نادیده گرفته می‌شوند، برای بازی و فعالیت فرابخواند، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که این فضا توانسته است مهم‌ترین معیارهای حضور کودکان و نوجوانان در شهر یعنی ایمنی و امنیت را تامین کند. از طرف دیگر، حضور مداوم زنان در ساعات مختلف شبانه‌روز، می‌تواند صحتی بر این ادعا باشد.

میدان پژوهش به‌عنوان یک فضای شهری با ایجاد آسایش اقلیمی، آرامش و محیطی برای تعامل و گفت‌وگو، زمینه معاشرت و ارتباط را فراهم آورده است. وجود این گونه فضاها به‌ویژه در این روزها که همه ما با همه‌گیری کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، برای پیشگیری از افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی و همچنین سلامت جسمانی شهروندان، بسیار مؤثر و ضروری است و می‌تواند موقعیتی را برای رشد خلاقیت کودکان و نوجوانان و ارتقای سلامت جسمانی آنان فراهم آورد و محیطی انعطاف‌پذیر و پاسخگو در شهر باشد.

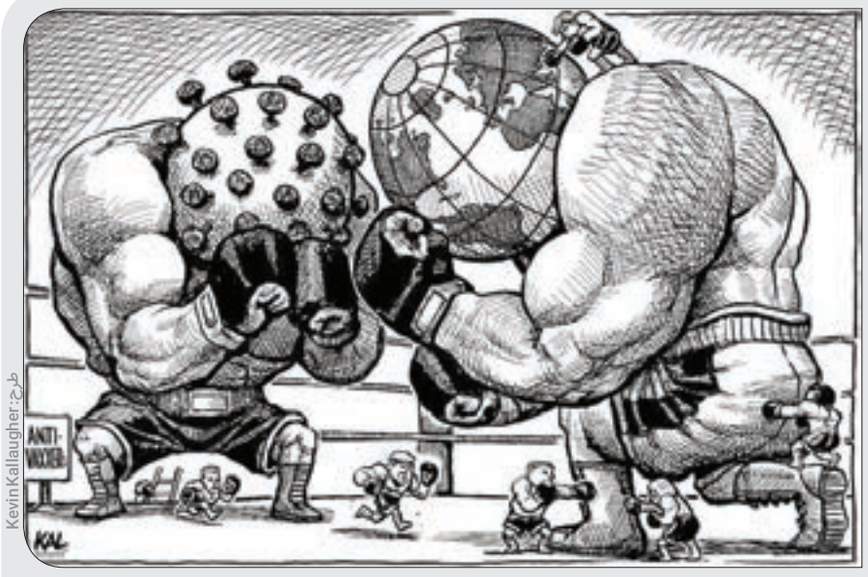
یکی از ویژگی‌های مهم یک فضای عمومی شهری، این است که بتواند شهروندان را فرابخواند و محیطی را ایجاد کند که شهروندان بتوانند در شرایط مساوی و عادلانه از این فضاها برخوردار شوند و امکان حضور مستمر، فعال و سرزنده شهروندان در این فضاها فراهم شود. میدان پژوهش با ایجاد فضایی دسترس‌پذیر برای کودکان، زنان، افراد دارای معلولیت و تمامی شهروندان، توانسته است به‌عنوان یک فضای شهری انسان‌محور به‌درستی عمل کند. به امید آنکه در شهر مشهد شاهد حضور هرچه بیشتر شهروندان در عرصه عمومی شهر و همچنین افزایش فضاهای شهری در راستای ارتقای تعاملات اجتماعی و سرزندگی در شهر باشیم.





کارتون + شرح

# ضربه به زیر چانه، با کمک انجمن ضدواکسن‌ها



طرح: KevinKallaugher

امیرمنصور رحیمیان | نوشتن از کرونا هر روز برایم سخت‌تر می‌شود؛ بیماری‌ای که مثل گنجشکی روی شاخه لرزان درخت‌ها، هر روز از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرد و شکلش عوض می‌شود و دانشمندان را به‌دنبال خود از این درخت به درخت دیگر معطل می‌کند. ازبس که فکر کرده‌ام به این ویروس، یک طور حساسیت به آن پیدا کرده‌ام و هرقدر که می‌توانسته‌ام، درموردش نوشته‌ام و ترسیم کرده‌ام. البته همه آدم‌هایی که دستی به قلم دارند، هم درمورد این بیماری فعالیت کرده‌اند. با نوشته‌های همه نویسنده‌ها و طراحی همه طراحان و کار دیگر آدم‌های وابسته به هنر، توفیری در روند بهبودی بیماری حاصل نمی‌شود. این چیزها فقط بر دیدگاه آدم‌ها درباره بیماری، تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که مقابله اصلی با ویروس، کار دانشمندان است. ولی گنجشک چموش کرونا به نظر می‌رسد که از حیطه اختیار آدم‌ها هم خارج شده است. با اینکه واکسنش هم ساخته شده است، جهش‌ها و شکل‌های عجیب و غریب‌تری از آن پیدا می‌شود که می‌توانند ادامه‌دهنده این هراس باشند؛ شکل‌های جدیدی که در انگلیس، آفریقای جنوبی و ژاپن و کشورهای دیگر، هر روز ادامه دهنده این کاروان مرگ هستند. واکسن‌هایی هم که بعد از یک سال ساخته شده‌اند، به ادعای سازندگانشان، دربرابر جهش‌های کرونا مقاوم هستند و تنها امید آدم‌ها برای شکستن این زنجیره مرگ بارند؛ ادعاهایی که هنوز ثابت نشده است و درباره‌اش شک و شبهه وجود دارد. این وسط همین میزان پیشرفت و ساخت واکسن کرونا، برای خودش مخالفان سرسختی دارد؛ مخالفانی که با اساس واکسن زدن درمورد همه بیماری‌های واگیردار، مشکل دارند. مخالفانی که بعضی‌هایشان از دسته آدم‌های ثروتمند و اهل مطالعه هستند. این دسته از آدم‌ها معتقدند که واکسن‌ها نه تنها مفید نیستند که به روند گسترش بیماری‌ها نیز کمک می‌کنند. اینکه تفکر آن‌ها از کجا آمده است و بر چه اساسی این نظر را می‌دهند، موضوعی است که «کوین کالاگر»، کارتونیست مشهور «هفته‌نامه اکونومیست»، به آن پرداخته است. کره زمین با عضلات درهم پیچیده و سنگین‌وزن، پشت به تصویر در گوشه رینگ بوکس، روی زانو نشسته یا بهتر است بگوییم گیر افتاده است و در مقابلش، ویروس با عضلات بادکرده ایستاده و گارد گرفته است. انگار آخر کار زمین است و زمین در شرف شکست است. اما این تمام ماجرا نیست. در همان گوشه‌ای که ویروس ایستاده است، تابلوی جنبش ضدویروس نصب شده است و نردبانی گذاشته‌اند که از آن آدم کوتوله‌هایی بالا می‌آیند و از زیر پای کرونا به زمین حمله می‌کنند. آدم‌های کوتوله‌ای که مخالف واکسن زدن هستند. به نظر در این قسمت است که کار روی فرهنگ آدم‌ها برای مسائل مهم به وسیله ابزار هنر، می‌تواند کارساز باشد، ولی چطور چنین تفکری رایج می‌شود؟ برخی از کسانی که درباره تأثیر واکسن‌ها شک و شبهه‌ای دارند یا نگرانند، با شنیدن دیدگاه بقیه آدم‌ها یا خواندن مطالبی در فضای مجازی یا رسانه‌های اجتماعی، از دریافت واکسن خودداری می‌کنند. ممکن است این دسته از افراد درباره بی‌خطر بودن یا عوارض جانبی واکسن، سوالات یا دغدغه‌هایی داشته باشند یا به شرکت‌ها و کشورهای سازنده واکسن بی‌اعتماد باشند. اطلاعات غلط یا اخبار جعلی را معمولا افرادی منتشر می‌کنند که احتمالا خودشان هم از غلط بودن آنچه می‌خوانند و در شبکه‌های مجازی به اشتراک می‌گذارند، بی‌خبر هستند. هرکسی ممکن است چنین مطالبی را دیده باشد یا با دیگر اعضای خانواده یا دوستانش به اشتراک گذاشته باشد، تا جایی که حتی برخی نظرهای مخالف واکسن را افراد سرشناس و مشهور منتشر کرده‌اند، این درحالی است که بیشتر واکسن‌هایی که امروز از آن‌ها استفاده می‌کنیم، دهه‌ها است که استفاده می‌شود و جان میلیون‌ها نفر را نجات داده‌اند. به هرحال کالاگر در این اثر، پیامدهای مبارزه این بخش کوچک ولی مهم جامعه را متوجه تمام آدم‌های کره زمین دانسته است. به نظر او، عقیده‌ای که آن‌ها درحال گسترش هستند، آن‌قدر خطرناک است که به شکست کره زمین می‌انجامد؛ چون واکسینه نشدن عده‌ای، ممکن است دوباره موج بیماری را شدیدتر به راه بیندازد و آن‌وقت است که داستان با الان توفیر پیدا می‌کند. حالا به این ماجرا اضافه کنید آدم‌هایی را که هیچ اهمیتی به شیوه‌نامه‌های بهداشتی‌شان نمی‌دهند، ماسک نمی‌زنند و...

## کیوسک



### لومانیته

پیش از انتخابات آمریکا وعده‌ووعیدهای زیادی برای جمع‌آوری رای داده شد، با این حال تا امروز این وعده‌ها فقط در حد حرف باقی مانده است. یکی از این وعده‌ها، بازگشت آمریکا به برجام بود که بارها جو بایدن آن را مطرح کرد. بیش از دو ماه از آن روزها می‌گذرد و رئیس‌جمهور جدید آمریکا همچنان در تصمیم‌گیری ناتوان است. «لومانیته» نیز در مطلبی با تیتر «بایدن در چالش هسته‌ای ایران» به این موضوع پرداخته و نوشته است: «باوجود وعده‌های بایدن، درباره اولین قدم‌ها برای بازگشت ایالات‌متحده به توافق وین، تردید وجود دارد.»



### لاکروا

برابری فرصت‌های برای زنان و مردان از آن مسائلی است که در دنیا همواره درباره‌اش بحث شده و تلاش‌های زیادی برای تحقق آن انجام گرفته است، اما کرونا سبب شده است این موضوع کمرنگ‌تر از گذشته شود، با این حال روزنامه فرانسوی «لاکروا» در آخرین شماره خود در مطلبی به این موضوع پرداخته و تیتر نخست «آگاهی شرکت‌ها از برابری جنسیتی» را برای جلد خود انتخاب کرده است. «لاکروا» در این مورد نوشته است: «شرکت‌هایی با بیش از ۵۰ کارمند (در فرانسه) تا روز دوشنبه، فرصت دارند که شاخص برابری حرفه‌ای خود، میان زنان و مردان را منتشر کنند.»



### تجارت‌فردا

هفته‌نامه تجارت‌فردا در شماره ۳۹۹، اهمیت حضور زنان در پست‌های کلیدی سازمان‌های بزرگ اقتصادی را بررسی و تحلیل کرده است. با انتخاب «انگوزی اوکونجو-ایوالا» به‌عنوان نخستین زن رئیس سازمان تجارت جهانی، یکی دیگر از پست‌های کلیدی و مهم سازمان‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی در اختیار زنان قرار گرفته است. هم‌اکنون «کریستالینا جورجیوا»، رئیس صندوق بین‌المللی پول است. «کریستین لاگارد» ریاست بانک مرکزی اروپا را برعهده دارد. «اودیل رنو-باسو» به‌عنوان رئیس بانک اروپایی بازسازی و توسعه، فعالیت می‌کند. «جنت یلن» به تازگی وزیر خزانه‌داری آمریکا شده است و «کریستیا فریلند» نیز معاون نخست‌وزیر و وزیر اقتصاد کانادا است. تجارت‌فردا در گزارش اصلی خود این پرسش را مطرح کرده است که آیا زنان می‌توانند فصل جدیدی در سیاست‌گذاری اقتصاد جهان ایجاد کنند؟

## نگاه هشتم

# از مغازه‌های کوچک خرید کنید لطفا!

غلامرضا بنی‌اسدی

تبلیغ می‌کنند هزار رنگ، طرح درمی‌اندازند هزار نوع، به گونه‌ای که رقابت در فروش و رقابت در خرید، درهم تنیده می‌شود. دارند و تبلیغ می‌کنند. دارند و طراح می‌گیرند و طرح‌های نو درمی‌اندازند. دارند و جامه برازندگی نو می‌کنند. هر روز هم شاهد رویش زنجیره‌ای این فروشگاه‌های زنجیره‌ای هستیم. رسم اقتصاد و بازار است این، کاری‌اش هم نمی‌شود کرد. من اما به مغازه‌های کوچک کوچه‌های فرعی فکر می‌کنم که با باز شدن هر فروشگاه در خیابان اصلی، معدود مشتری‌های خود را هم از دست می‌دهند. کاهش مشتری هم یعنی هرروز باید یک قلم از سفره‌شان حذف شود.

دلم می‌گیرد از این مغازه‌های کوچک، از روزگار دست‌فروشان. از زنان و مردانی که با یک ساک به گردن یا زنبیلی در دست، پی مشتری زیرپوش و جوراب، به هزار نفر سرمی‌زنند، شاید از آن میانه کسی چیزی بخرد. آخر باید کسی چیزی بخرد تا آنان بتوانند نانی به سفره برند و لقمه‌ای بخورند. اما روزگار، اما مغازه‌های بزرگ و پرزرق‌وبرق، اما طرح‌های فروش، اما... دارد هر روز بیشتر به حاشیه می‌راند این آدم‌ها را.

یادم هست چندی پیش بنده‌خدایی از توسعه «نتورک مارکتینگ» و حذف واسطه‌ها در فروش محصول می‌گفت؛ از اینکه باید مستقیم خرید کرد. گفتمش من ترجیح می‌دهم کالا را از مغازه‌هایی بخرم که رزقشان بدان وابسته است. خیلی مهم‌تر از اینکه قیمت‌ها شاید اندکی فرق کند، این است که در این میان چند نفر نان می‌خورند. این را هم اضافه کردم که اسوه‌های زندگی چون علامه طباطبایی وقتی می‌خواست چیزی بخرد، از مغازه‌ای می‌خرید که کالای کمتری داشت. وقتی سبزی می‌خرید، پلاسیده‌ها را برمی‌داشت؛ چون دیگران به‌دنبال تازه‌ها بودند و پلاسیده‌ها روی دست مغازه‌دار می‌ماند.

بگذریم، سخن به درازا نکشد. این روزها می‌خواهم به فروشگاه‌های بزرگ بگویم برخی کالاها را نیاورید تا مغازه‌های کوچک هم نانی به خانه ببرند. خدا بیامرزد حافظ را که فرمود:

مروت گرچه نامی بی‌نشان است
نیازی عرضه کن بر نازنینی
ثوابت باشد ای دارای خرمن
اگر رحمی کنی بر خوشه‌چینی

## زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

**پرسش**

**نگارش درست «عمو مان» و موارد مشابه چگونه است؟**

عموی مان؟
عمویمان؟
عمو مان؟
یا ...»

**پاسخ**

**اگر پس از کلماتی قرارگیرند که به مصوت بلند «a» و «u» ختم شوند، از میانجی «ی» استفاده می‌شود:**

صدایت
عمویمان

#زین_قند_پارسی




مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید



Instagram

پارسینما/ مجله تخصصی سینمایی

@parcinema




دقیقا ۹ سال پیش در چنین لحظاتی، فیلم سینمایی «جدایی نادر از سیمین» به کارگردانی اصغر فرهادی، برنده جایزه اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی شد و این جایزه را از «ساندرا بولاک» دریافت کرد. فرهادی که برای بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی نیز نامزد دریافت جایزه شده بود، بعد از دریافت اولین اسکار برای کشور ایران، در سخنرانی خود گفت: «ایرانی‌های زیادی در سراسر جهان در حال تماشای این لحظه‌اند و تصور می‌کنم که خوشحالند. نه فقط به‌خاطر یک جایزه مهم یک فیلم یا یک فیلم‌ساز، آن‌ها خوشحالند، چون در روزهایی که میان سیاستمداران حرف از جنگ، تهدید و خشونت تبادل می‌شود، نام کشورشان ایران از دریچه باشکوه فرهنگ به زبان می‌آید. فرهنگی غنی و کهن که زیر غبار سیاست، پنهان مانده است. من با افتخار این جایزه را به مردم سرزمینم تقدیم می‌کنم؛ مردمی که به همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها احترام می‌گذارند و از دشمنی و کینه بیزارند».